

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برخی با توجه به ظاهر آیات پنج سوره سجده و چهار سوره معارج چنین تصور کرده‌اند که بین این دو آیه به لحاظ تفاوت در زمان بیان شده در خصوص طول روز قیامت، تعارض وجود دارد.

- يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۵) سجده
- تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۴) معارج

بیان تعارض:

- در سوره سجده آیه پنج، طول مدت روز قیامت معادل هزار سال زمینی بیان شده است.
- در سوره معارج آیه چهار، طول مدت روز قیامت معادل پنجاه هزار سال بیان شده است.

راه حل های بیان شده برای رفع تعارض:

- ۱- با توجه به روایاتی که در خصوص احوال روز قیامت وجود دارد می توان گفت رابطه این دو آیه عام و خاص است و هیچ تعارضی وجود ندارد. مطابق روایات قیامت دارای ۵۰ موقف است که عبور از هر موقف هزار سال به طول می انجامد. در نتیجه آیه ۵ سوره سجده مدت زمان عبور از یک موقف را بیان کرده است و آیه ۴ سوره معارج تمام مدت زمان روز قیامت را بیان کرده است.
- ۲- اعداد بیان شده در قرآن صرفاً برای بیان مبالغه در زیادی هستند و مقصود بیان دقیق زمان نیست.

با توجه به ظاهر آیات مورد بررسی، پاسخ های ارائه شده قابل قبول نیست.

- طبق قواعد، بدون وجود قرینه نمی توان یک مفهوم را مخصص مفهوم دیگر قرارداد به خصوص اینکه این عمل خلاف ظاهر باشد. در هر دو آیه به وضوح مدت زمان بیان شده مربوط به روزی است که در آیه نسبت به آن توضیح داده شده است. به عبارت دیگر مدت زمان بیان شده در هر یک از آیات در مقام وصف، موصوف خود است نه روز قیامت.
- به نظر استفاده از عنوان عام و خاص نسبت به زمان های اعلام شده در دو آیه شریفه صحیح نیست. اگر مقصود عام و خاص اصطلاحی در فقه یا اصول باشد، استفاده از این عناوین تنها در فرض تفاوت حکم عام با خاص صحیح خواهد بود. به عبارت دیگر چون عام و خاص هر دو به زمان

اشاره دارند و خاص در حقیقت بخشی از عام است، برای آنکه بتوان رابطه دو زمان را عام و خاص دانست باید در آیه شریفه وجهی برای تمایز دو زمان وجود داشته باشد. به طور مثال وقتی از کسی سؤال شود مسافرت از تهران تا مشهد به صورت پیاده چه مدت به طول می‌انجامد؟ نمی‌تواند ابتدا بگوید یک ماه و در ادامه بگوید دو هفته، بدون آنکه هیچ قرینه‌ای برای رفع ابهام از کلام وجود داشته باشد هرچند دو هفته بخشی از یک ماه است. او باید در جواب بگوید یک ماه اما دو هفته آن به دلیل کذا، سخت‌تر یا آسان‌تر است. در غیر این صورت کلام او تام نخواهد بود. با توجه به اینکه توجیه بیان شده برای رفع تعارض، مبتنی بر توضیح ارائه شده خلاف فصاحت و اعجاز ادبی قرآن است، بدون وجود دلیل یا قرینه، قابل‌پذیرش نخواهد بود.

- در برخی روایات برای توصیف احوال قیامت به وجود پنجاه موقف اشاره شده است که عبور از هر یک از آن‌ها هزار سال به طول می‌انجامد. نتیجه چنین تیسینی آگاهی از نهایت زمان روز قیامت، برای یک فرد گناه‌کار (پنجاه‌هزار سال) است. زیرا روایاتی که در مقام توصیف احوال مؤمنین در روز قیامت هستند، مدت‌زمان عبور از قیامت را بسیار کوتاه بیان کرده‌اند. همچنین صرف برابری زمان اعلام شده در روایات با زمان اعلام شده در آیه چهار سوره معارج به این معنا نیست که هر دو زمان ناظر به یک پدیده هستند. در این آیه شریفه ملائک و روح تنها موجوداتی هستند که از معارج در روزی که مدت آن پنجاه‌هزار سال است به سوی خداوند سبحان حرکت می‌کنند. در حالی که در روز قیامت همه موجودات حضور داشته و باید مواقف آن را طی کنند.

- اگر زمان بیان شده در هر دو آیه را ناظر به مدت‌زمان روز قیامت بدانیم نمی‌توان پذیرفت که خداوند سبحان در یک آیه این زمان را هزار سال و در آیه دیگر پنجاه‌هزار سال بیان کرده باشد اگرچه زمان بیان شده از باب مبالغه در زیادی باشد. زیرا اگر زمان اعلام شده صرفاً برای بیان مبالغه در زیادی باشد دست‌کم باید در هر دو آیه از یک‌زمان استفاده می‌شد به خصوص اینکه تفاوت دو زمان اعلام شده بسیار زیاد است. تصور کنید از شما سؤال کنند چند نفر در ورزشگاه حضور داشتند؟ شما برای اینکه کثرت افراد حاضر را به مخاطب بفهمانید، یک‌بار بگویید هزار نفر و بار دیگر بگویید پنجاه‌هزار نفر در ورزشگاه حضور داشتند. با توجه به حکمت خداوند سبحان به نظر حتی در فرض استفاده از قالب مبالغه، نباید بین دو عدد چنین اختلاف زیادی وجود داشته باشد.

راه‌حل رفع تعارض با توجه به ظاهر آیات:

با توجه به سیاق و ظاهر آیات در سوره سجده و معارج می‌توان گفت این آیات در مقام بیان مدت‌زمان قیامت نیستند. در حقیقت اساساً بین این دو آیه تعارضی وجود ندارد تا نیاز به حل آن باشد. در قالب چند نکته ادله و مؤیدات این ادعا ارائه می‌گردد.

۱- با توجه به سیاق و ظاهر آیات ۴ و ۵ سوره سجده مشخص می‌گردد، خداوند سبحان در این آیات در مقام بیان تفاوت بُعد زمانی عرش الهی و زمین یا مدت‌زمان موردنیاز برای به تکامل رسیدن امر تکوینی الهی در امور تدریجی است.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۴)

يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۵)

در آیه ۴ سوره سجده خداوند از خلقت آسمان‌ها و زمین سخن می‌گوید و زمان مشخصی را برای آن اعلام می‌فرماید. آیه بعد به چند مفهوم اشاره دارد:

۱- تدبیر امر الهی از سوی آسمان به زمین است.

۲- با توجه به اینکه اصل اولی در تعیین فاعل (يَعْرُجُ)، استفاده از الفاظ بیان‌شده در جمله است، می‌توان گفت (الامر) فاعل لفظ يَعْرُجُ است. در نتیجه معنای این بخش از آیه این‌گونه خواهد بود: خداوند امر را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند و سپس امر به سوی او بازمی‌گردد. توجه به معنای ریشه فعل يَعْرُجُ می‌تواند به تبیین بهتر معنای آیه کمک کند. در ریشه این لفظ سه معنا اخذ شده است. اول، حرکت صعودی. دوم، حرکت تدریجی. سوم، حرکت به سوی غایت و منتهای مسیر^۱.

۳- در ادامه خداوند سبحان مدت‌زمان لازم برای تدبیر امر از آسمان به سوی زمین و بازگشت آن به مبدأ را یک روز که معادل هزار سال زمین است بیان می‌فرماید.

مطابق آنچه بیان شد این آیه در مقام بیان مدت‌زمان روز قیامت نیست. برای آنکه فاعل يَعْرُجُ چیزی غیر از الامر لحاظ شود تا در نتیجه زمان بیان‌شده ناظر به مدت‌زمان روز قیامت باشد، نیاز به قرینه است که در این آیه وجود ندارد.

۲- می‌توان از آیه ۴۷ سوره شریفه سجده: (وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ) به‌عنوان مؤید استفاده کرد. در هر دو آیه خداوند سبحان در مقام مقایسه، مدت روزی که در آن امر الهی صادر شده یا به تکامل می‌رسد را با هزار سال زمین برابر اعلام می‌فرماید^۲.

^۱ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۷۵-۸۰.

^۲ اینکه بشر در حال حاضر از درک و تبیین زمانمندی امور غیرمادی عاجز است دلیل بر نفی یا غیرعقلانی بودن آن نیست. همان‌طور که در گذشته نسبی بودن زمان در حد خیال‌پردازی قبال پذیرش بود اما امروزه دانشمندان فیزیک با ارائه ادله این پدیده را اثبات می‌کنند، هرچند به صورت حقیقی و تجربی هنوز تجربه نشده است.

۳- در برخی از روایات به وضوح مشخص شده است ، مدت زمان هزار سال زمینی که در آیه شریفه بیان شده است در خصوص تدبیر امر الهی است نه روز قیامت.

○ فی، تفسیر القمی يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرِجُ إِلَيْهِ يَعْنِي الْأُمُورَ الَّتِي يُدَبِّرُهَا وَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ الَّذِي أَمَرَ بِهِ وَ أَعْمَالَ الْعِبَادِ كُلُّ هَذَا يُظْهِرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَكُونُ مِقْدَارُ ذَلِكَ الْيَوْمِ أَلْفَ سَنَةٍ مِنْ سِنِي الدُّنْيَا^۳.

○ رواه السيوطي في الدر المنثور عن عكرمة قال سأل رجل ابن عباس ما هؤلاء الآيات في يوم كان مقداره خمسين ألف سنة و يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ قَالَ يوم القيامة حساب خمسين ألف سنة و خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ كُلِّ يَوْمِ أَلْفَ سَنَةٍ وَ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ ذَلِكَ مِقْدَارُ السَّيْرِ^۴.

○ وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ قَالَ مُنْتَهَى أَمْرِهِ مِنْ أَسْفَلِ الْأَرْضِينَ إِلَى مُنْتَهَى أَمْرِهِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ وَ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ يَعْنِي بِذَلِكَ يُنَزِّلُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ فَذَلِكَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ لِأَنَّ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ مَسِيرُهُ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ^۵.

۴- توجه به آیات ابتدایی سوره معارج می تواند احتمال اینکه زمان بیان شده ناظر به مدت زمان روز قیامت نباشد را اثبات یا دست کم تقویت کند. صرف امکان وجود چنین احتمالی مانع از نتیجه گیری قطعی مدعی در خصوص تعارض بیان شده است.

-۵

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)

لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)

مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ (۳)

تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۴)

- در آیه اول به فردی که از عذاب الهی سؤال کرده اشاره شده است.

- در آیه دوم عذاب مورد سؤال قرار گرفته شده، وصف شده است.

^۳ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۰۴.

^۴ همان، ج ۵۴، ۲۲۳.

^۵ همان، ج ۵۵، ۱۰۶.

^۶ ۵۰۰ سال برای رفت و ۵۰۰ سال برای برگشت که مجموع ۱۰۰ هزار می شود.

- در آیه سوم خداوند سبحان به عنوان ارسال کننده عذاب معرفی و با صفت صاحب معارج وصف شده است. معارج به معنای راه‌های صعود و فعل یعرج در آیه بعد مؤید این معنا است.
- آیه چهارم تکمیل کننده آیه سوم در توصیف خداوند سبحان است. در حقیقت در آیه سوم فقط به صاحب معارج بودن خداوند سبحان اشاره شده اما در آیه چهارم با بیان عظمت معارج به بزرگی و عظمت صاحب آن‌ها اشاره شده است. در این آیه خداوند سبحان، صاحب معارجی معرفی شده است که سیر و عروج ملائک و روح به سوی خداوند سبحان در آن‌ها پنجاه هزار سال به طول می انجامد.

نتیجه گیری:

- دو آیه مورد نظر هیچ یک در مقام بیان مدت زمان روز قیامت نیستند در نتیجه اساساً تعارضی بین آن دو وجود ندارد.
- توصیف صورت گرفته نسبت به احوال مؤمنین در خصوص مدت روز قیامت، لزوماً به معنای نسبی بودن زمان یا استغراقی بودن زمان‌های اعلام شده در قرآن و روایات نیست. ممکن است فرد گناه کار واقعاً پنجاه هزار سال در موقف‌های قیامت معطل شود اما فرد مؤمن اصلاً ورودی به این موقف‌ها نداشته باشد یا آنکه به دلیل خالی بودن نامه عمل ایشان از گناه، توقف آن‌ها در هر موقف بسیار کوتاه باشد.
- برابری عدد بیان شده در آیه چهار سوره معارج با عدد بیان شده در روایات نسبت به مدت روز قیامت به این معنا نیست که لزوماً این آیه نیز در مقام بیان مدت زمان روز قیامت است.